

بهروز سورن: قطره اشکی برای قذافی و لبخندی به روی آزادی و رهائی از دیکتاتوری



پیش از این نیز سالها قبل در نوشته ای که نمیدانم چه نام داشت و چه موضوعی، نوشتم که در کوران حوادث انقلاب می کشند و کشته می شوند و تحولات بنیادین در کشورهایی با مناسبات دیکتاتوری و سرکوب از این مصائب دور نخواهد بود. تراژدی مقاومت و سرکوب، بالندگی و پرهیز از تغییر خواه نا خواه بوقوع خواهند پیوست. این موضوع نه از تمایل و نظر من که تجربه ای هنوز باقی است. تجربه حوادث اخیر در کشورهای عربی دال بر این است که دیکتاتوری ها به خواست و اراده خود کنار نخواهند نشست و از تمامی ابزار موجود خود برای حفظ مناسبات و سرکوب نارضایتی ها استفاده می کنند. گفتمان حفظ و استمرار قدرت و چپاول بود.

هم اکنون نیز در تعدادی از این کشورها سرکوب خونین معترضان در خیابان ها تداوم دارد و ماجرا هنوز تمام نشده است. در سوریه، یمن و بحرین و ... تلاطمی در جریان است و همگان مطلعند. اینکه در آینده چه اتفاقاتی رخ خواهد داد و سرنوشت لیبی و مصر و تونس به کجا خواهد انجامید بحثی است باز و شواهد و قرائن دلیل بر این هستند که اهداف سرنگون طلبان در مخاطره است. بویژه در لیبی که از منابع سرشار نفتی برخوردار است و غرب بشدت به آن نظر دارد. نقش ناتو در سرنگونی دیکتاتوری قذافی بارز است. بدون حمایت این نیرو سرنگونی قذافی با سوالات بسیاری مواجه بود و میتوان در نظر گرفت که مدت‌های مدید درگیری و کشتار ادامه میتوانست داشته باشد. قذافی اما اگر چه کاخ های طلائی ساخت و میلیاردها دلار در کشورهای مختلف از جمله اتریش انبار کرد اما به هر دلیلی در کشورش ماند و توسط نیروهای مخالف خود کشته شد. لینک دردناک و نحوه کشته شدنش را در این آدرس میتوان دید.

<http://www.youtube.com/watch?v=0xf2eungkoU>

قذافی هم همانند دیکتاتورهای دیگر مشخصه های خود و حکومتی خود را داشت. جمع آوری ثروت برای خود و خانواده و سرکوب مخالفان از مختصات حکومت هائی هستند که خودکامه اند و خویشان را حاکم بلامنازع جان و مال مردم کشورشان می دانند. حضور اندیشه و نقد و مخالفت را مانعی در برابر نیات خود می دانند و حصر و کشتار و تجاوز به حقوق انسانی را با ابزار نظامی و دولتی در پیش می گیرند. یکی از زندانهای افشا شده وی را همراه جنازه های سوخته شده برخی از آنان در این آدرس می بینید.

[اینجا ببینید](#)

خانمی که معروف به قاتل خون آشام زندانیان است را در بالای این نوشتار ببینید بلحاظ دیپلماتیک نیز اینگونه نظام ها غیر از این نیستند و ظرفیت های ارتجاعی وافر خود را نشان می دهند. متن پیام قذافی را به احمدی نژاد را در زیر می بینید

عالیجناب دکتر محمود احمدی نژاد

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران السلام علیکم ، و بعد

همزمان با حکم تنفیذ مجدد ریاست جمهوری اسلامی ایران حضرتعالی و آغاز به کار حضرتعالی در دوره دوم ریاست جمهوری، خرسندم یکبار دیگر به جنابعالی تبریک و تهنیت گفته و آرزو نمایم کشور ایران را به بهترین وجه رهبری کرده و بتوانید تمامی نیروها را در راستای تحقق طرحهای پیشتازانه خود که در مراسم تنفیذ و تحلیف به آن تصریح گردید، بسیج نمایید

یقیناً انتخاب مجدد شما بعنوان رییس جمهوری اسلامی ایران، فرصت تحقق مسایل مورد اشاره را برای جنابعالی بوجود خواهد آورد و در عین حال روابط برادرانه و زمینه های مشورت و همکاری بین دو کشور ایران و لیبی را در همه مقاطع و کلیه سطوح و در جهت تحقق آرزوهای مشترک و در راستای خدمت به منافع دو ملت دوست و تمامی امت اسلام و نقش آفرینی آنان در برپایی جهانی سرشار از عدالت، صلح، پیشرفت و کرامت و عزت برای همه کشورها و تمامی ملت ها گسترش خواهد داد

امیدوارم مراتب تقدیر و آرزومندی هایم را جهت دوام صحت و سعادت برای آنجناب و ملت برادر ایران در جهت پیشرفت و موفقیت روز افزون خود بپذیرید

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته
"برادر شما / معمر قذافی رهبر انقلاب

وی به طرز فجیعی در اسارت نیروهای مخالف در آمد و کشته شد. طبیعی است که مناظر کشته شدن وی دهشتناک است، انسانی نیست و چه خوب بود که وی به دادگاههای بین المللی تسلیم می شد و جامعه جهانی و انسانی او را محاکمه می کرد. چه زبیده بود که او کشته نمی شد اما مجازات میشد. چنین شد و از اینگونه ناهنجاری ها در شرایط ملتهد انقلابی در برابر مستبدین که با همه توان خود از حاکمیت خویشتن دفاع می کنند نمیتوان پرهیز کرد. اشکی حتما برای قذافی باید ریخت و اینگونه فجایع همانطور که برای مخالفانش و آنانی که در زندانهای او بودند و حتی برای قاتل او که یکی از عموهایش را کشته بود باید ریخت. مصاحبه وی با خبرگزاری حکومتی فارس خواندنی است.

اینجا بخوانید

اینکه کدام اهرم ها در آینده لیبی نقش باز خواهند کرد و تغییرات در کدام جهت پیش خواهد رفت هنوز باز است. ناتو قطعا معادلات خود را عرضه می کند و نیروهای مذهبی نیز نقش خود را ایفا خواهند کرد. اما یک چیز را فراموش نکنیم که مردم هنوز مسلح هستند. مردم مسلح هنوز قدرت حقیقی که همان اسلحه است را در دست دارند.

مردم مسلح هنوز کابوس همه آنهایی خواهند بود که در دل غش دارند. هنوز گفتمان ازادی و رهائی بسته نشده است. دفاع از قذافی کشته شده بلحاظ احساسی موجه است اما حمایت از نظام پلید و دائم العمرش بدینجهت که ناتو در این تحولات دخیل بوده است، بلحاظ سیاسی بی معنی است.

آیا جابجائی دیکتاتور ها صورت می گیرد؟ و سپس ما بزودی از دیکتاتور بهتر و بدتر تئوری ها خواهیم ساخت؟

قطعا نیروهای آزادیخواه و دمکراسی طلب در میان تحول طلبان هستند و آرمانهایی دیگر در سر دارند. پشتیبانی و حمایت از اینان وظیفه ای است در برابر ما

داستان قذافی و ناتو همان قضیه چوب دو سر (طلا) است که راه به جایی نمیرد.

بهر روز سورن

29.10.2011

www.gozareshgar.com